

پژوهش در زمینه تاریخ پزشکی در ایران، گامی در بررسی الزامات تئوریک پیشنهادی برای تهیه منابع

فرید قاسملو*

گروه تاریخ علم، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، تهران

چکیده

اکنون بیش از نیم قرن از مطالعات مربوط به تاریخ پزشکی در ایران و ارائه مقالاتی که رویکرد نوین و "دانشی" به تاریخ پزشکی دارند، می‌گذرد رویکردی که با پژوهشهای دکتر نجم‌آبادی و سایرین آغاز شد. اما اکنون، در حالی که خوشبختانه در ایران سنت مقاله‌نویسی در این زمینه به وجود آمده، به نظر می‌رسد که لازم است رویکرد جدیدی در این مسیر آغاز گردد که ضمن برخورداری از دانش نظری (تئوریک)، منجر به تولید نگرشهای جدیدی نیز در زمینه مطالعات تاریخ پزشکی شود. فصل‌نامه طب سنتی اسلام و ایران فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، خوشبختانه این وظیفه را پذیرفته است که بخشی از مقالات آن، با اقتراحی به مطالعات و بحث‌های پایه‌ای درباره چرایی و چگونگی تاریخ پزشکی ایران اختصاص یابد و مقاله حاضر، نخستین گام در این زمینه به حساب می‌آید. این مقاله سعی دارد تا به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد که مهم‌ترین ویژگی مورخان تاریخ پزشکی چیست؟ ساز و کارهای آن کدامند و اساسی‌ترین دغدغه‌های تاریخ پزشکی در ایران امروز چه می‌تواند باشد؟

واژگان کلیدی: تاریخ پزشکی در ایران، تاریخ علوم در ایران، منبع‌شناسی تاریخ پزشکی ایرانی

اسلام) به ویژه جوانان را مشخص کنیم و با تبیین دیدگاههای اصولی و تئوریک، به جوانان این فرصت را بدهیم که کار پژوهشگری را در این بخش بعهدہ گیرند، به درستی آینده مطالعات تاریخ پزشکی را در کشور بیمه کرده‌ایم. آینده‌ای که امروز، دورنمای چندان روشنی برای آن دیده نمی‌شود.

با توجه به مسائل مطرح شده، نویسنده این مقاله بر آن است تا به عنوان یک پژوهشگر تاریخ علوم دوره اسلامی، دغدغه‌ها و نگرش‌های خود را به زبان فارسی به جامعه مورخان تاریخ پزشکی ایران و اسلام منتقل نماید تا فرصت و محیط گفتگو از دید تئوریک در این باره فراهم گردد^۱.

بهتر است، به عنوان اصلی‌ترین پرسش، از تعریف تاریخ

رویکرد تازه ای که طی دو - سه سال گذشته در کشورمان نسبت به موضوع تاریخ پزشکی ایجاد شده^۱، و بوجود آمدن بسترهای متعدد برای پژوهندگان تاریخ پزشکی در ایران و اسلام، آرام آرام این دغدغه را پدید آورده است که چگونه باید به عرصه تاریخ پزشکی پرداخت؟ اصولاً تاریخ پزشکی (در مفهوم ایرانی یا اسلامی آن) چیست؟ مهم‌ترین موارد پژوهش در این عرصه کدامند؟ و خبره‌ترین و واجد شرایط‌ترین افراد در این حیطه چه کسانی می‌توانند باشند؟

بحث و پاسخ‌گویی به پرسشهای فوق، یکی از الزامات پرداختن به تاریخ پزشکی در کشورمان است. چنانچه بتوانیم مسیر مطالعات پژوهندگان این عرصه (تاریخ پزشکی در ایران و

پزشکی کار خود را آغاز کنیم تا با سعی برای پاسخ‌گویی به آن و با ورود عناصر زمان و مکان به حیطه پژوهش در عرصه تاریخ پزشکی (یعنی مفهوم ایران و قلمرو تمدن اسلامی از دید تاریخ و جغرافیا) بتوانیم به سوالات بعدی نیز وارد شویم. امروزه تاریخ پزشکی "پژوهش در زمینه‌های مختلف دانش پزشکی که امروزه نه به عنوان راه حل درمانی، بلکه به عنوان تجربه و دید تاریخی به آن نگاه می‌شود" تعریف شده است. طبیعی است دامنه این پژوهش می‌تواند به بررسی زندگی‌نامه پزشکان کهن یا معاصر، بررسی متون پزشکی کهن که امروزه دیگر کاربرد ندارند، بررسی ساختار و نیز معماری سازمان‌ها و نهادهای پزشکی و البته رابطه بین پزشکی و علوم دیگر (از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی و سایر) گسترش یابد. با این تعریف، به راحتی می‌توان عناصر کلیدی زمان و مکان را نیز وارد کرد. از نظر مکانی، برای مثال در قلمرو ایران (یعنی پرداختن به تاریخ پزشکی در ایران) تعریف ما ناچار وابسته به تعریف "زمانی" پژوهش خواهد بود. ایران جغرافیایی، با ایران تمدنی فاصله دارد و چنانچه ما در مورد تاریخ پزشکی در ایران، مثلاً مفهوم زمانی را از دوره هخامنشی به این سو تعریف کنیم، تقریباً تمامی بخش شرقی آسیای میانه، قسمت وسیعی از قفقاز، بخشی از رود سند، تمامی آسیای صغیر و بین‌النهرین و قسمتی از شمال آفریقا را شامل می‌شود. با این دید، تعریف ما از منابع، خود به خود مشخص می‌شود. به عنوان نمونه، می‌دانیم مورخان یونانی و به زبان یونانی، تقریباً تمامی منابع تاریخی دوره هخامنشی را در زمینه پزشکی ایران تالیف کرده‌اند. این وضع کمابیش در مورد منابع دوره ساسانی نیز (البته با تغییر زبان منابع از یونانی به لاتین) صادق است. بنابراین، پژوهشگر این عرصه با افق تازه‌ای از منابع روبرو می‌شود.^۳

یکی دیگر از ابدهای پژوهشگر عرصه تاریخ پزشکی به ویژه در ایران و در کشورهای اسلامی، تبیین مفهوم تاریخ معاصر و به تبع آن پرداختن به پزشکی معاصر و حد فاصل آن با پزشکی کهن است. در این موضوع تردید نداریم که پزشکی معاصر ما، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی، هم از نظر

تئوریک و هم از نظر شیوه‌های عملی درمان با پزشکی کهن متفاوت است. اما خوب است بدانیم مرز بین پزشکی کهن و معاصر کجاست؟

مؤلف این مقاله پیشنهاد می‌کند، مرز بین پزشکی کهن و معاصر ایران، به عنوان تعبیری و بخشی از تاریخ کهن و معاصر کشورمان بر اساس حدفاصل زمانی پیش و پس از نهضت تنباکو و قیام وابسته به آن تعریف شود؛ به عبارت دیگر، قبل از نهضت تنباکو عنوان پزشکی کهن و پس از آن عنوان پزشکی معاصر به خود گیرد^۴ کمابیش ورود عناصر زمان و مکان به مفهوم تاریخ پزشکی در جهان اسلام نیز شبیه ورود همین عناصر به ایران است. از منظر جغرافیایی، قلمرو تمدن اسلامی تقریباً شامل تمامی شبه قاره، خاورمیانه و شبه جزیره عربستان، آسیای صغیر و بخش وسیعی از بالکان و تمامی شمال آفریقا خواهد بود. از نظر زمانی نیز، بازهم چنانچه بخواهیم حد فاصلی بین پزشکی کهن و معاصر اسلامی تبیین کنیم، لشکرکشی ناپلئون به مصر پیشنهاد می‌نماید. این واقعه باعث ورود علوم نوین، و از آن میان پزشکی به اسلام از طریق شمال آفریقا و آشنایی مسلمانان این قسمت از جهان اسلام با پزشکی نوین و غربی شده است.^۵

اکنون اجازه بدهید به پرسش بعدی پردازیم و آن این است که مهمترین موارد پژوهشی (قابل پژوهش) در عرصه پزشکی اسلامی چیست؟

برای پاسخ به این پرسش باید کمی کلی‌تر و اصولی‌تر به تاریخ تحول پزشکی اسلامی نگاه کنیم. در اصول و کلیات، به نظر می‌رسد بتوانیم این پرسش را مطرح نماییم که ساختار، و کلیت حاکم بر پزشکی اسلامی چیست؟ به نظر بسیاری، بدون آنکه در اینجا قصد داوری داشته باشیم، کلیت حاکم بر پزشکی ایرانی و اسلامی همان رویکرد پزشکی جالینوسی و برتری پزشکی یونانی بر پزشکی ایرانی و اسلامی است. در نگاه نخست، شاید این پرسش صحیح به نظر برسد. بنابراین در عالم تئوری، می‌توانیم دو پرسش مطرح کنیم:

۱- آیا امکان دارد در بخشی از زمان و مکان پزشکی اسلامی، رویکردی نقادانه و جدی بر پزشکی جالینوسی رخ

بی تردید نشانه رویکرد جدید پژوهشگران غربی به مقوله تاریخ پزشکی اسلامی است.^۹

در کنار این آمار، بهتر است از موضوعات مختلفی که نیازمند تولید مقاله در حیطه تاریخ پزشکی ایرانی - اسلامی هستند، گزارشی داشته باشیم:

۱- زندگی نامه پزشکان دوره اسلامی، معرفی آثار و نوآوریهای آنان.

۲- معرفی تکنگاریها و آثار مختلف پزشکی اسلامی در قلمرو عالم اسلام، به فارسی و عربی.

۳- تک نگاریهای مختلف در زمینه گیاهان دارویی و به طور کلی مواد دارویی از دید پزشکی اسلامی.

۴- بررسی معماری بیمارستانها و ساختارهای داخلی نهادهای پزشکی اسلامی.

۵- فرایند آموزش و نظام درسی پزشکی اسلامی.

۶- بیماریها، امراض واگیر و راههای مبارزه با آنها در پزشکی اسلامی.

۷- روابط پزشکی اسلامی و تقابل و تعامل آن با علوم دیگر.

۸- کلیات حاکم بر پزشکی اسلامی و تبادل آن با جوامع مختلف اسلامی.

حال اگر این موضوعهای متنوع را با اندک مقالاتی که در این زمینه تاکنون تولید شده‌اند، در کنار هم قرار دهیم در می‌یابیم که در بعضی از زمینه‌ها اصلا مقاله‌ای وجود ندارد یا تعداد مقاله‌ها آنقدر نادرست که قدرت مقایسه، بحث و استدلال را از پژوهشگران جدید می‌گیرد.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت هنوز راه زیادی تا رسیدن به تامین حداقلها در زمینه ریشه‌ها و بن‌مایه‌های پزشکی اسلامی و به دست آوردن تئوری‌ها از دل این مقالات وجود دارد. از دل این نتیجه، می‌توان گفت اکنون وقت آن است تا اجماع کلی برای تالیف مقالات تکنگاشتی جزئی و دقیق درباره ظرایف و جنبه‌های مختلف پزشکی اسلامی صورت گیرد تا در سال‌های آتی، قدرت استنتاج و طرح تئوری‌ها با پشتوانه این مقالات پدید آید.

اکنون وقت آن است تا به آخرین پرسش خود پردازیم و

داده باشد و به شرط وقوع چنین پدیده‌ای، آیا امکان دارد تئوری دیگری به جز تئوری پزشکی جالینوسی در عالم اسلام به وجود آمده باشد؟

۲- نقش سنت‌های علمی در تکوین پزشکی جهانی چیست^{۱۰} و آیا در دل پزشکی اسلامی - ایرانی، سنتی که قابل طرح و دفاع در نظام پزشکی جهانی باشد، به وجود نیامده است؟

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، باید ابتدا به موضوع تقویت بن‌مایه‌ها و ریشه‌های پزشکی اسلامی توجه کنیم. از دید تئوری، برای جمع‌آوری مطالب جزئی و تکوینی دانش پزشکی اسلامی و تبدیل آنها به تئوری‌های جریان ساز، نیاز به تولید مقالات تک موضوعی و تک نگاریهای گوناگون اما دقیق و جزئی‌نگر در زمینه انواع شاخه‌ها و زیربناهای پزشکی اسلامی داریم. شاید بد نباشد از دید آماری نگاهی به تولید مقاله در این زمینه به زبانهای فارسی و اروپایی بیاندازیم:

به مدد فهرستی که ایرج افشار در زمینه مقالات به زبان فارسی آماده کرده است، امروزه می‌دانیم طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ شمسی، یعنی طی مدت ۵ سال تنها ۳۰ مقاله در زمینه تاریخ پزشکی به زبان فارسی نوشته شده است؛ یعنی به عبارتی، سالی ۶ مقاله. در طول همین دوره زمانی، درباره محمد بن زکریای رازی یعنی پزشکی که بیشترین توجه نویسندگان فارسی زبان را به خود جلب کرده، ۵ مقاله تالیف شده است؛ یعنی سالی ۱ مقاله.^۷ همین آمار، طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ یعنی در مدت ۱۰ سال، گویای تولید ۴۰ مقاله بوده است. در این دوره، درباره رازی فقط ۲ مقاله تولید شده است.^۸

با استفاده از فهرستی که همه ساله از سوی تشکیلات موسوم به فهرست اسلامی منتشر می‌شود، نیز می‌توان این مقایسه را در سطح بین‌المللی انجام داد. با بررسی این فهرست طی سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۷ میلادی، روشن می‌شود که حدود ۱۳۳۰ مقاله در زمینه تاریخ پزشکی اسلامی به همه زبانهای اروپایی منتشر شده است. جالب است که فقط ۳۸۰ مقاله از این عنوان مقالات، میان سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ یعنی در مدت ۷ سال تولید شده‌اند؛ به عبارت دیگر ۳۰ درصد مقالات طی مدت ۸ درصد از کل دوره زمانی تالیف شده‌اند. این موضوع

آن این که، چه کسانی واجد شرایط پرداختن به عرصه تاریخ پزشکی هستند؟ این پرسش را از این نظر مطرح می‌کنیم چرا که این دیدگاه تاکنون بارها مطرح شده است که اصلی‌ترین شرط پرداختن به تاریخ پزشکی، ورود از زاویه دید پزشکان، یا به عبارت دیگر صرفاً پرداختن پزشکان به این عرصه است. بهتر است برای ورود به بحث مثالی بزنیم، وقتی مقاله‌ای درباره فلان بیماری یا تک‌نگاری درباره فلان گیاه نوشته می‌شود پرداختن به این موارد مستلزم استفاده از سطوح مختلف منابع است. در مورد یک بیماری، وقتی مقایسه‌ای بین آرای جالینوس و بقراط و رازی و ابن سینا صورت می‌گیرد، در واقع یک کار تاریخی صورت گرفته است، نه یک پژوهش پزشکی محض و وقتی در مورد یک گیاه تک‌نگاری با استفاده از آراء و کتاب‌های دیسکوریدس و ابوحنیفه دینوری و ابوریحان بیرونی و ابن‌بیطار مالقی صورت می‌گیرد، عناصر اصلی پژوهش، متونی است که امروزه از دید تاریخی به آنها نگریسته می‌شود و نه صرفاً پزشکی. در نتیجه این دیدگاه که پزشکان تنها افراد ذی‌صلاح برای پژوهش در زمینه تاریخ پزشکی هستند، نمی‌تواند درست باشد.

به نظر نویسنده این سطور، تنها عرصه‌ای که دانش پزشکی می‌تواند به عنوان اصل در تالیف مقالات تاریخ پزشکی به کار آید نگارش مقالاتی در زمینه بیماریها، آنهم بخش مربوط به دیدگاههای کلینیکی است. در غیر این صورت، می‌توان از وجود زبان‌شناسان، کتاب‌شناسان، مورخان و جامعه‌شناسان در تالیف آنان استفاده کرد و مقالاتی پدید آورد که ساختار متوازی بین بخش‌های مختلف آن وجود داشته باشد.

پس از بررسی الزامات تئوریک، اکنون وقت آن است که بحث خود را به گزینش مهم‌ترین منابع برای پرداختن به تاریخ پزشکی متمرکز کنیم.

یکی از اساسی‌ترین نیازهای امروزی عرصه مطالعات تاریخ پزشکی در ایران و اسلام، تهیه دستنامه‌ای شامل معرفی برجسته‌ترین پزشکان عالم اسلام، معرفی مطالعات و پژوهشهای انجام شده در مورد آنان و معرفی آثار این دانشمندان (اعم از نسخه خطی و متن چاپی) است. اینکه ما از

این پژوهشها به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها یاد کردیم، به دلیل لزوم توجه به شناسایی این دانشمندان و تهیه این دستنامه به عنوان گامی اساسی برای مطالعات بعدی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم، مهم‌ترین بخش مطالعات، مربوط به دانشمندان و پزشکان دوره اسلامی و بررسی زندگینامه و معرفی آثار آنان است^{۱۰}. علت این موضوع نیز اصلاً اتفاقی نیست. چنانچه بخواهیم قدر و منزلت دانشمندان اسلامی را به جهانیان بشناسانیم، راه ورود، معرفی آثار این افراد و نوآوریهای است که در لابلاهای آثار آنان نهفته است. برای مثال، یک دانشجوی مصری به نام محی‌الدین تطاوی موفق شد که نظریه گردش ریوی خون را که پیشتر ابن نفیس آن را کشف کرده بود، بار دیگر مطرح کند. امروزه از بازکشف تطاوی به عنوان یکی از اسناد افتخار آفرین پزشکی اسلامی یاد می‌شود زیرا تطاوی موفق به یافتن نسخه‌ای خطی از کتاب شرح تشریح القانون ابن نفیس شده و آن را دستمایه مطالعات و بررسیهای علمی پایان نامه دکتری خود قرار داده بود^{۱۱}. حال اگر در نظر بگیریم چه مقدار از این نسخ خطی در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورهای اسلامی موجود است، متوجه اهمیت کار خواهیم شد.

به جهت تبیین بهتر و صحیح‌تر آنچه در این مقاله پیشنهاد می‌شود، مولف مقاله خواهد کوشید ابتدا به بررسی روند کار پرداخته، سپس ضمن معرفی مهم‌ترین منابع مورد نیاز به طرح الگوهای کارآمد که در حیطه دیگر علوم دوره اسلامی تهیه شده‌اند، پردازد.

مهمترین هدف این طرح، ارائه فهرستی از پزشکان دوره اسلامی و معرفی آثار آنها خواهد بود. با توجه به اینکه در حال حاضر فاصله بسیاری تا معرفی تمام گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران و چند کشور مهم دارنده نسخه‌های خطی اسلامی وجود دارد^{۱۲}، شاید بهتر باشد، ابتدا با مطالعه شاخص‌ترین زندگینامه‌ها در پزشکی اسلامی (از همه مهم‌تر، عیون‌الانباء ابن‌ابی‌اصیبیه، الفهرست ابن‌ندیم، طبقات‌الاطباء ابن‌جلجل و تاریخ‌الحکماء قفطی)، ابتدا فهرستی از نام دانشمندان (بدون توجه به اینکه اثر یا آثاری از آنها باقی مانده

اسلامی) پدید آمده‌اند به ما توانایی روش‌شناسی و الگوبرداری از آنها را خواهد داد. بنابراین، لازم است به مرور شاخص‌ترین این آثار بپردازیم.

پیش از همه باید از اثر جالب و پرمغز کارل بروکلمان با عنوان تاریخ نوشته‌های عربی^{۱۴} یاد کرد که اگرچه مدت‌ها از انتشار آن می‌گذرد، اما همچنان به عنوان یک منبع قوی و اثرگذار در مطالعات علوم مختلف اسلامی مورد استناد قرار می‌گیرد. پژوهش بروکلمان به عنوان اثری بدیع می‌تواند مورد استفاده کلیه علاقه‌مندان علوم دوره اسلامی باشد. در عین حال، بررسی آن ما را با دنیایی از روش و اندیشه آشنا می‌سازد.

چارلز آمبروز استوری نیز با استفاده از کتابخانه‌های بریتانیا و نیز نسخه‌های خطی در شبه قاره هندوستان، به تهیه گزارشی کتابشناسی-زندگینامه‌ای، با عنوان ادبیات فارسی، یک بررسی کتابشناختی^{۱۵} اقدام کرد. اثر استوری تنها به بررسی آثار مربوط به زبان فارسی می‌پردازد و بخشی از جلد دوم آن نیز به موضوع پزشکی اختصاص دارد. با توجه به گذشت زمان، در حال حاضر، مهم‌ترین دستاورد استوری، بررسی عمیق او نسبت به آثار تولید شده در شبه قاره است.

بهترین اثری که تاکنون در زمینه مطالعات کتابشناسی علوم دوره اسلامی وجود دارد و اختصاصاً یک جلد آن نیز در زمینه پزشکی دوره اسلامی تهیه شده، اثر فواد سزگین با عنوان تاریخ نگارش‌های عربی^{۱۶} است که نمونه‌اعلای روش‌مندی و توجه به منابع به شمار می‌آید. سزگین به هنگام تهیه این کتاب متوجه عمق و گستردگی بسیار زیاد حوزه فعالیت خود بوده و بر این اساس کار خود را زمانی تنها به دوره زمانی آغاز اسلام تا حدود سال ۴۳۰ هجری قمری محدود کرده است. بنابراین دانشمندان پس از این دوره زمانی، به این کتاب وارد نشده‌اند.

اثری که محوریت تولید آن ریاضیات و نجوم دوره اسلامی است اما روش تهیه آن می‌تواند به عنوان یک الگو مورد توجه قرار گیرد، کتاب دو نفر از دانشمندان روس به نامهای روزنفلد و یوشکویچ با نام ریاضیدانان وستاره‌شناسان و دیگر دانشمندان

است یا نه) تهیه شود. این فهرست می‌تواند سنگ بنای تهیه دستنامه مورد نظر ما باشد.

در گام بعدی، لازم است فهرستهای نسخه‌های خطی منتشر شده که تعدادشان از سه هزار جلد متجاوز است^{۱۳}، تک‌تک و به دقت مطالعه شده کتابهای مربوط به تاریخ پزشکی از آنها جدا شوند. این اطلاعات باید یکسان‌سازی شوند (یعنی نسخه‌های مختلف از یک اثر که در کتابخانه‌های گوناگون دنیا معرفی شده‌اند، در کنار هم قرار گیرند) و در مرحله بعدی آثار یک مولف ذیل نام او به صورت الفبایی قرار گیرد.

لازم است این کار در مورد کلیه کتابهای چاپی در زمینه پزشکی (اعم از چاپ سنگی یا چاپ افست) نیز صورت گیرد و اطلاعات کتابشناختی به آگاهی‌های به دست آمده افزوده و یکسان‌سازی شود.

در مرحله چهارم، لازم است با مطالعه دانشنامه‌ها، دایره‌المعارفها، تک‌نگاریها و کتابشناسیهای جدید، آگاهی‌های به دست آمده در مورد دانشمندان نیز طبقه‌بندی شده، زیر نام هر دانشمند و پیش از معرفی آثار او آورده شوند. تا مراجعه‌کننده راحت‌تر بتواند به اطلاعات موجود دست یابد. چنانچه این مراحل به خوبی و دقت انجام پذیرد، می‌توان ادعا کرد مهم‌ترین دستنامه برای معرفی پزشکان دوره اسلامی و آثار آنها پدید آمده است. اما واقعیت این است که این پژوهش به راستی کار سختی خواهد بود. گذشته از موضوع، چگونگی جمع‌آوری فهرستهای نسخ خطی کتابخانه‌های جهان، تهیه گزارشی از تمام کتابهای چاپ شده در موضوع تاریخ پزشکی با توجه به پراکندگی مراکز چاپ و تنوع آنها، خود از اساسی‌ترین مشکلات طرح به شمار می‌آید.

واقعیت این است که تاکنون الگوهای بسیاری، خواه در حوزه پزشکی دوره اسلامی و خواه با محوریت علوم دیگر در زمینه معرفی آثار دانشمندان دوره اسلامی پدید آمده‌اند. بررسی آثاری که در حوزه پزشکی تالیف شده‌اند، ما را به درک روش و منطق آنها و بسط و روزآمد نمودن الگوها و بررسی آثاری که در زمینه سایر علوم (و بیشتر از همه ریاضیات و نجوم دوره

تمدن اسلامی و آثار آنها، از قرن هفتم تا نوزدهم میلادی امی باشد. در این اثر به معرفی و زندگینامه و نیز بررسی کتابشناختی آثار حدود ۱۲۰۰ تن از دانشمندان دوره اسلامی پرداخته شده است. این کتاب می تواند نمونه و الگوی بسیار خوبی برای آنچه هدف اصلی این مقاله بوده است قرار گیرد.

در اثر بروکلمان، علوم اسلامی تقسیم بندی شده و ذیل هر تقسیم بندی، دانشمندان آن عرصه با ترتیب تاریخی ذکر شده اند. در کتاب استوری و نیز سزگین هم معرفی دانشمندان بر اساس ترتیب تاریخی بوده و نظم الفبایی کتاب بر عهده نمایه های آنها گذاشته شده است. همین روش کمابیش در کتاب روزنفلد و یوشکویچ نیز حاکم است. بر این اساس و با توجه به اینکه کلیه آثار مورد نظر بر اساس ترتیب زمانی به معرفی دانشمندان پرداخته اند، ما نیز چنین شاکله ای را برای دستنامه پیشنهاد می کنیم.

در حال حاضر به زبان فارسی اثری که کمابیش با آنچه مورد نظر ما است مطابقت دارد، با عنوان فهرست نسخه های خطی فارسی^{۱۸} تالیف احمد منزوی است که طی سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ شمسی تهیه شده است. در این کتاب، فهرستی از آثار علوم و دانشها و نیز ادبیات فارسی داده شده است. بخشی از جلد یکم این اثر به معرفی آثار پزشکی فارسی اختصاص دارد. ویرایش دومی نیز از این کتاب با عنوان فهرستواره کتابهای فارسی از سال ۱۳۷۴ شمسی آغاز شده و جلد پنجم از ویرایش دوم این مجموعه به معرفی آثار پزشکی به زبان فارسی می پردازد. نکته مهم در این مجموعه آن است که اولاً آثار معرفی شده تنها به زبان فارسی است و دوم اینکه ورود به آن از طریق نام اثر (و نه نام مولف، بر اساس آنچه در نمونه های گذشته عنوان کردیم) انجام می پذیرد. اما در هر صورت این کتاب نمونه

پی نوشتها

بسیار جالبی در معرفی دست کم نیمی از آنچه مورد نظر ما است به حساب می آید، زیرا هدف دستنامه پیشنهادی در این مقاله تهیه گزارشی از آثار پزشکی دوره اسلامی به تمامی زبانهای رایج در این سرزمینها (عموماً فارسی و عربی) است.

دستنامه دیگری نیز تنها با بررسی و احصای نسخه های خطی موجود در کشور ترکیه و بوسیله چند تن از خبره ترین نسخه شناسان این کشور به سرپرستی رمضان ششن تهیه شده است^{۱۹}. در این کتاب، موجودی تمامی کتابخانه های ترکیه بررسی و مشخصات نسخ خطی پزشکی آنها استخراج شده و بر اساس نام مولف مرتب شده اند. درباره مولف آثار هیچ توضیح یا آگاهی داده نشده اما ذیل هر عنوان از نام مولفان، دست کم دو منبع که آگاهی دهنده است، معرفی می کند که عموماً نیز منابع دائرةالمعارفی هستند. در این کتاب ترتیب معرفی افراد، الفبایی است.

این کتاب نیز می تواند الگوی خوبی برای رسیدن به هدف مورد نظر این مقاله باشد. نکته مهم در این اثر آن است که تمامی کتابهای معرفی شده، در کتابخانه های ترکیه نگهداری می شوند و گزارش نسخه شناسی هر یک از آثار نیز از تفصیل کافی برخوردار است. این ویژگی کتاب در دیگر آثار یاد شده، وجود ندارد.

نویسنده این مقاله معتقد است این مقاله کوتاه نمی تواند جامع و مانع تمامی بحث ها درباره تاریخ پزشکی دوره اسلامی باشد، در عین حال سرمایه گذاری بسیار زیاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در موضوع تاریخ پزشکی بحث هایی مانند این را نه مهم، بلکه ضروری می نمایاند، بنابر این باید امیدوار بود بحث هایی از این دست به سرعت در جامعه آغاز شود.

^۱ جدی ترین این فرصت ها، تهیه دائرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران در فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران است که امکان تهیه ۲۰۰۰ مقاله در زمینه تاریخ پزشکی ایران و اسلام را پدید آورده است.

^۲ نویسنده این سطور امیدوار است این مقاله آغازی برای بحث و گفتگو در زمینه های پیشنهادی باشد.

^۳ به عنوان نمونه، مولف، بررسی منابعی را که نویسنده مشهور و ایرانشناس بزرگ دانمارکی، آرتور کریستن سن در زمینه پزشکی دوره ساسانی از آنها بهره برده است، پیشنهاد می‌کند، نک: کریستن سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه یاسمی، رشید. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۶۸ش؛ صص ۲۰-۱۱۵

^۴ البته این فقط یک پیشنهاد است، با توجه به اینکه در هر صورت یک نهضت حد فاصل میان دوره کهن و معاصر تاریخ ایران است، این رویکرد اجتماعی به عنوان حدفاصل تاریخ معاصر و کهن پزشکی ایران نیز پیشنهاد می‌شود.

^۵ ناپلئون در سال ۱۸۰۱ به مصر وارد شد.

^۶ اشاره به این سنت‌های علمی را مدیون دکتر رشدی راشد هستیم که به عنوان یک تاریخ‌نگار خبره علوم اسلامی به طرح چنین تئوری‌هایی دست زده است. در این مورد نک: معصومی همدانی، حسین. زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مورخ و فیلسوف علم دکتر رشدی راشد. تهران. ۱۳۸۵ شمسی؛ صص ۸۰-۷۶.

^۷ افشار، ایرج. فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی. جلد ششم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ۱۳۸۳ شمسی؛ صص ۶-۱۵۵.

^۸ افشار، ایرج. فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی. جلد پنجم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ۱۳۷۴ شمسی؛ صص ۳-۱۳۱.

^۹ Index Islamicus, 1900-1997. Leiden: [CD-ROM]. 1998.

^{۱۰} به عنوان سندی بر این اهمیت، شاید جالب باشد که بدانیم مهم‌ترین مدخل‌های طرح دائره‌المعارف پزشکی اسلام و ایران که در فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران در حال تهیه می‌باشد، مدخل‌های اعلام و زندگی‌نامه‌ها است. این دسته از مدخلها به تنهایی ۳۳ درصد از کل مدخلهای این کتاب را در بر می‌گیرد. گزارش آماری این مدخلها و دیگر مدخلهای موضوعی این دائره‌المعارف در مقدمه مدخل نامه صفحه ۲۲ آمده است.

^{۱۱} غلیونجی بهترین گزارش را از کوشش تطاوی در این زمینه به دست داده است. نک: غلیونجی، ب. ابن نفیس. کویت. ۱۹۷۹؛ صص ۳-۱۱۱

^{۱۲} برای گزارشی در این زمینه نک: شریفی، هادی. گنجینه‌های دستنویس‌های اسلامی در ایران. ترجمه رحیمی ریس، احمدرضا. تهران. ۱۳۷۹ شمسی؛ صص ۵-۲۱.

^{۱۳} همان، ص ۲۱.

^{۱۴} عنوان این اثر چنین است:

Brockelmann C. Geschichte der arabischen Litteatur. Leiden: E.J. Brill. 1943-1949.

^{۱۵} عنوان این اثر چنین است:

Storey CA. Persian literature: A bio-bibliographical survey. London: Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. 1972.

^{۱۶} عنوان این اثر چنین است:

Sezgin F. Geschichte des arabischen Schrifttums. Leiden: E. J. Brill. 1973.

خوشبختانه جلد سوم این کتاب که به بررسی دانش پزشکی اختصاص دارد، به فارسی ترجمه و منتشر شده است: فواد سزگین، فواد. تاریخ نگارش‌های عربی. ترجمه جهانداری، کیکاوس. تهران: موسسه نشر فهرستگان. ۱۳۸۰ شمسی.

^{۱۷} این اثر در سال ۲۰۰۳ میلادی به کوشش گروهی و به سرپرستی اکمل‌الدین احسان اوغلو به زبان انگلیسی ترجمه و در استانبول منتشر شده است. مشخصات این ترجمه انگلیسی چنین است:

Rosenfeld BA, Ihsanoglu E. Mathematicians, astronomers and other scholars of Islamic civilization and their works (7th-19th). Istanbul: IRCICA. 2003.

^{۱۸} اين اثر در سال ۲۰۰۳ ميلادی به توسط گروهی و به سرپرستی اکمل الدين احسان اوغلو به زبان انگلیسی ترجمه و در استانبول منتشر شده است. مشخصات اين ترجمه انگلیسی چنین است:

Rosenfeld B.A., Ihsanoglu E. Mathematicians, astronomers and other scholars of Islamic civilization and their works (7th -19th). Istanbul. 2003

^{۱۹} عنوان اين اثر چنین است: شش، رمضان، آقپینار، جمیل، ایزگی، جواد. فهرس مخطوطات الطب الاسلامی باللغات العربيه و التركيه و الفارسیه فی مکتبات ترکیا، اشراف اکمل الدين احسان اوغلی. استانبول: ۱۹۸۴.

Archive of SID